

بررسی تطبیقی تفسیر آیات ۹۰ و ۹۱ از سوره آل عمران

در تفاسیر مجمع البیان، المیزان و تسنیم*

□ سید مجید نبوی**

□ لیلا خانی اوشانی***

چکیده

آیات ۹۰ و ۹۱ سوره آل عمران مضمون آیه ۸۶ همین سوره را تعلیل می‌کنند. این آیات در مورد شرایط پذیرش توبه و فدیة از دو گروه بحث می‌کنند: ۱. افرادی که کافران و پیوسته در حال افزایش کفر خود هستند؛ ۲. افرادی که در حال کفر می‌میرند. جستار پیش رو به دنبال پاسخ به این پرسش است که «تفاسیر مجمع البیان، المیزان و تسنیم چه اشتراکات و اختلافاتی پیرامون آیات ۹۰ و ۹۱ دارند و محاسن و معایب نظرات هریک از مفسران چیست». روش جمع‌آوری مطالب در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده و پردازش آن‌ها به صورت تطبیقی می‌باشد. طبق استنتاج مقاله، توبه گروه اول از کافران براساس نظر علامه و شیخ طبرسی تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست ولی براساس نظر آیت‌الله جوادی آملی توبه این گروه به احتمال زیاد مورد پذیرش خداوند است. همچنین براساس دیدگاه هر سه مفسر هیچ‌گونه فدیة و بدلی از گروه دوم در آخرت پذیرفته نخواهد شد. **کلیدواژه‌ها:** بررسی تطبیقی، آیه ۹۰ آل عمران، آیه ۹۱ آل عمران، توبه نامقبول، توبه کافران.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۲/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۵/۳۰.

** دانش آموخته دکتری قرآن و حدیث دانشگاه اراک (magidnabavi1366@gmail.com).

*** کارشناس ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم- تهران (نویسنده مسئول).

مقدمه

قرآن کتابی است که برای زندگی و عمل آمده و بدین منظور، باید فهمیده شود. مفسران در فهم آیات آن تفاوت‌هایی دارند؛ اما در برخی از آیات، تفاوت‌ها بسیار جدی و ماهوی است. ازسوی دیگر در مطالعات قرآنی از شیوه‌های متنوعی استفاده می‌شود؛ به‌ویژه در یک قرن اخیر با شیوه‌های جدیدی در مطالعات قرآنی روبه‌رو می‌شویم. یکی از راه‌های مفید جهت فهم عمیق آیات قرآن کریم و نفوذ مراد آیات الهی در دل و جان، مطالعات تطبیقی است. مطالعات تطبیقی در عصر حاضر یک روش بسیار مهم در حوزه دانش‌هاست که در موضوعات مختلف امکان‌پذیر است. این روش درواقع شناخت موضوع یا مسأله‌ای در پرتو مقایسه است که با توصیف و تبیین نقاط اشتراک و نقاط اختلاف انجام می‌پذیرد. به‌همین منظور در مقاله حاضر، آیات ۹۰ و ۹۱ سوره آل عمران مورد توجه قرار گرفته و دیدگاه سه مفسر یعنی شیخ طبرسی، علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، محور بحث می‌باشد. در این پژوهش، ابتدا سوره آل عمران و تفاسیر مورد نظر معرفی می‌شوند و سپس آیات ۹۰ و ۹۱ از هر سه تفسیر مورد توجه قرار گرفته و نظریات مفسران با یکدیگر مقایسه و تطبیق داده خواهند شد.

پیشینه پژوهش

در بررسی‌هایی که نگارنده درباره پیشینه مسأله پژوهش حاضر، در مقالات و پایان‌نامه‌ها انجام داده است، پژوهشی که به تبیین مسأله مقاله حاضر پردازد نیافته است. البته پژوهش‌های مشابهی صورت گرفته که فقط در تطبیقی‌بودن اشتراک دارند. اما پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تطبیقی و با ابزار کتابخانه‌ای آیات ۹۰ و ۹۱ از سوره آل عمران را انتخاب و دیدگاه مفسران پرنظر یعنی شیخ طبرسی، علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی را در این رابطه استخراج نموده و مورد پژوهش و بررسی تطبیقی قرار داده است.

معرفی سوره آل عمران

آل عمران یکی از هفت سوره بلند قرآن و بنا بر قول منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ابن عباس و جابر بن زید، هشتاد و هفتمین سوره نازل شده قرآن است (رامیار، ۱۳۸۴: ۶۷۰)، که پس از سوره های بقره و انفال و پیش از سوره احزاب در مدینه نازل شده و دارای ۲۰۰ آیه است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۵/۳-۶؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۱/۲؛ آل آغازی، ۱۳۸۲ش: ۳۱۵/۵). این سوره دارای ۳۴۸۰ کلمه (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۶۳/۴) و ۱۴۵۲۵ حرف (مبیدی، ۱۳۷۱ش: ۲/۲) است. نام گذاری این سوره به «آل عمران» از آن جهت است که کلمه عمران به صورت متوالی در آیات ۳۳ و ۳۵ از این سوره تکرار شده است. برخی مفسران بر این عقیده اند که منظور از کلمه عمران، پدر حضرت موسی علیه السلام است، لیکن در این رابطه دیدگاه دیگر مفسران مبنی بر این که عمران، پدر حضرت مریم ۳ است، صحیح تر به نظر می رسد (شرف الدین، ۱۴۲۰ق: ۳/۲). به نظر می رسد این سوره در خلال سال های جنگ بدر و جنگ احد (سال های دوم و سوم هجرت) نازل شده است و بخشی از طوفانی ترین دوران های زندگی مسلمین را در صدر اسلام منعکس می کند.^۱ مطالب این سوره چنان به هم مربوط و هماهنگ است که گویی همه آنها يك جا نازل شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۴۰۷/۲-۴۰۸). درباره غرض سوره آل عمران مواردی همانند: تبیین دین حقیقی خداوند و بیان عوامل روی گردانی مردم از آن (شحاته، ۱۹۹۸: ۳۴/۱-۳۵)، بیان اصول معارف دین الهی و آنچه میان همه ادیان الهی مشترک است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۶/۵)، توبیخ مسیحیان، یهودیان و مسلمانان که هریک به گونه ای به مخالفت با دستورهای خدا برخاسته بودند (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۳۲۱/۱)، ترسیم صحنه تقابل میان ارزش های آسمانی و زمینی در میدان اجتماع (مدرسی، ۱۳۷۷: ۴۶۶/۱) در تفاسیر ذکر شده اند. علامه طباطبایی معتقد است این سوره در پی جلب توجه مؤمنان به این حقیقت است که خداوند هیچ گاه از تدبیر جهان غافل نبوده و آن را براساس سنت های خود اداره می کند و کافران نمی توانند بر اراده الهی چیره شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶/۳).

معرفی تفسیر مجمع البیان

«مجمع البیان فی تفسیر القرآن» به زبان عربی، نوشته مفسر کبیر، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی از علمای بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است. وی با ذهن خلاق خود در کیفیت نگارش و تدوین مطالب «مجمع البیان»، از شیوه جدیدی در عصر و زمان خودش استفاده کرده است. تا آن زمان، کمتر تفسیری به چشم می خورد که با نظم و ترتیبی این چنین، تدوین یافته باشد. محمدحسین ذهبی، در این باره می نویسد: «... أَفَلَا تَرَى مَعَ أَنَّ هَذَا التَّفْسِيرَ يَجْمَعُ بَيْنَ حُسْنِ التَّرْتِيبِ وَ جَمَالِ التَّهْذِيبِ وَ دِقَّةِ التَّلْعِيلِ وَ قُوَّةِ الْحُجَّةِ...»^۲ (ذهبی، ۱۳۹۶: ۹۹/۲). مؤلف در هر باب، اقوال را بدون رد و اعتراض، نقل می کند و انتخاب قول بهتر را به عهده خواننده می گذارد. روش او در مجمع البیان این است که ابتدا تعدادی از آیات را بررسی می کند، قرائت های مختلف، معانی واژه ها و مشکلات زبانی، آنگاه اعراب و سپس اسباب نزول را می آورد و در آخر معنای مبسوط آیات را بیان می کند. در پایان ربط و پیوند معنایی آیات و سوره ها را شرح می دهد (شایسته نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹). این تفسیر بسیار متأثر از التبیان شیخ طوسی است. مجمع البیان به بحث های موضوعی نمی پردازد و نظریات مفسران اهل سنت را نقل و با روش عالمانه نقد می کند (ایازی، ۱۳۷۸: ۲۴۰). شیخ شلتوت مفتی اهل سنت در مقدمه ای که بر این تفسیر نگاشته است می نویسد: «مجمع البیان، در میان کتاب های تفسیری بی همتاست. این تفسیر با گستردگی، ژرفا و تنوع در مطالب و تقسیم، تبویب و ترتیب، دارای ویژگی و امتیازی است که در میان تفاسیر پیش از او بی نظیر و در میان آثار پس از آن کم نظیر است» اهمیت مجمع، به خاطر جامعیت، اتقان و استحکام مطالب و ترتیب دقیق و تفسیر روشن و سودمند و انصاف در نقد و بررسی آراء است (همان).

معرفی تفسیر المیزان

«المیزان فی تفسیر القرآن»، مفصل ترین و مهم ترین تألیف علامه سید محمدحسین طباطبائی و از جامع ترین تفاسیر قرون جدید است. اصل این تفسیر به عربی، در بیست مجلد نوشته

شده و تألیف آن در رمضان ۱۳۹۲ ق به پایان رسیده است. ترجمه فارسی این اثر بالغ بر چهل جلد است که به همت جمعی از اساتید حوزه علمیه قم، انجام یافته است. متن و ترجمه این اثر بارها تجدید چاپ شده و محلّ اعتنای عامّه و خاصّه در ایران و خارج از ایران است (خرّمشاهی، ۱۳۶۰: ۱/۷). علامه طباطبائی اساس کار خود را بر قاعده متین «تفسیر قرآن به قرآن» قرار داده، یعنی کوشیده است آیه قرآن را به کمک آیات دیگر تفسیر نماید. علامه به منابع زیادی در زمینه تفسیر، حدیث، تاریخ و علوم دیگر استناد نموده و فقط به کتب شیعه بسنده نکرده و از کتب اهل سنت نیز بسیار بهره برده (اوسی، ۱۳۸۱: ۳۷۰) و در تفسیر قرآن دخالت داده است. وی در پایان هر مبحثی، روایات شیعه و سنی را مطرح نموده و مورد ارزیابی قرار داده است. مؤلف هرگز تفسیر آیه‌ای را بر پایه یک فرضیه علمی یا فلسفی یا یک مکاشفه استوار نساخته و از مباحث فقهی نیز صرف نظر نموده است (طاهری، ۱۳۷۷: ۱۲۳/۲).

معرفی تفسیر تسنیم

تفسیر گران سنگ تسنیم، محصول درس تفسیر ترتیبی آیت الله جوادی آملی در حوزه علمیه قم است که یکی از مهم ترین تفاسیر عصر حاضر به شمار می رود. تدریس تفسیر تسنیم از پاییز سال ۱۳۶۱ ش آغاز شده است و هم اکنون با گذشت چهل سال از عمر آن، همچنان ادامه دارد. انتشار آن نیز از سال ۱۳۷۵ ش آغاز و تا کنون ۵۶ جلد از آن چاپ شده است (ایمانی خوشخو و تقدسی، ۱۳۹۵: ۲۷/۲۵ و ۲۹). نام این اثر از آیه ۲۷ سوره مطفقین گرفته شده است (عظیم پور، ۱۳۹۷: ۱۰/۶). مفسر تسنیم از سه روش تفسیری قرآن به قرآن، قرآن به سنت و قرآن به عقل استفاده کرده است؛ بنابراین روش تفسیری آن، جامع می باشد. تفسیر قرآن به عقل در تفسیر تسنیم با گرایش های متفاوتی، اعم از ادبی، کلامی، فقهی، فلسفی، عرفانی و اجتماعی سامان می یابد و گرایش غالب آن، گرایش اجتماعی است (ایمانی خوشخو و تقدسی، ۱۳۹۵: ۲۷/۲۵). مفسر، نخست آیه یا آیاتی را می آورد و آنگاه در باره جایگاه علمی و عملی هر آیه در فصلی جدا بحث می کند. البته در مواردی هم مفسر چند آیه را به دلیل

پیوستگی معنایی در کنار هم یاد می‌کند و آنگاه تفسیر خود را ذیل آن در چهار بخش پی می‌گیرد که عبارت‌اند از: گزیده تفسیر، تفسیر، لطایف و اشارات و بحث روایی (همان: ۲۹/۲۵). از آن‌جاکه مؤلف تسنیم در عصر خویش حضور دارد، پس تفسیری از جنس زمان و در پاسخ به نیاز دوران نگاشته است و از ادبیات و واژگان متداول زمان خود برای تفهیم بهتر مطلب بهره برده است (فهیمی تبار، ۱۳۸۷: ۵/۵۳).

مطالعه تطبیقی سه تفسیر

در ادامه به بررسی تطبیقی سه تفسیر در آیات ۹۰ و ۹۱ از سوره آل عمران به طور جداگانه خواهیم پرداخت و این بررسی را از آیه ۹۰ آغاز می‌کنیم.

قرآن کریم در آیه ۹۰ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الصَّالُونَ﴾؛ به یقین کسانی که پس از ایمان‌شان کفر ورزیدند، سپس بر کفرشان افزودند، هرگز توبه آنان پذیرفته نمی‌شود (زیرا توبه آن‌ها یا از روی نفاق است یا در وقت معاینه مرگ) و آن‌ها ایند که گمراهانند (آل عمران، آیه ۹۰).

در شأن نزول این آیه آمده که آیه درباره یهود و نصاری است که با وجود ایمان قبلی باز هم به صفات و اوصاف حضرت محمد ﷺ در تورات و انجیل، کافر گشته و بر کفر خویش اصرار ورزیدند (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۱۷ و ۱۱۸؛ کاشانی، ۱۳۵۱: ۲۶۶/۲). نیز در برخی تفاسیر روایی اهل سنت از قول قتاده چنین مطرح گردیده که مخاطب این آیه قوم یهود است که به حضرت عیسی علیه السلام پس از ایمان به موسی کفر ورزیده و آن موقع که محمد ﷺ مبعوث گردید، با کذب و کفرشان به پیامبر خاتم ﷺ بر کفر خویش افزودند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۹/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۴۳/۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۶۹/۱)، که این قول قتاده در اصل مدلول، تفاوتی با وجه قبلی ندارد. همچنین گفته شده که مراد از کافران، ۱۱ نفر از همراهان حرث بن سويد است که با وی مرتد گشتند و به مکه رفتند و گفتند در مکه به حال کفر باقی می‌مانیم تا آیه‌ای درباره ما نازل شود، تا این که پیغمبر مکه را فتح کرد. عده‌ای از آن‌ها که زنده ماندند، مسلمان شدند و درباره آن‌ها

که بر کفر مرده بودند، این آیه نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۰/۲).

۱. بررسی تطبیقی آراء سه مفسر در تفسیر آیه ۹۰ سوره آل عمران

الف. تفسیر مجمع البیان

صاحب مجمع البیان بر این باور است که چون ذکر توبه مقبوله در آیات پیشین گذشت، خداوند به دنبال آن توبه نامقبول را در این آیه مطرح می‌نماید. شیخ طبرسی درباره شأن نزول آیه نیز به مواردی که ذکرشان رفت اشاره نموده و معتقد است که این اختلاف نظرها باعث گردیده تا تفسیرهای متفاوتی از آیه به دست آید (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۱/۲-۷۹۰). همچنین طبرسی درباره این که چرا توبه این گروه پذیرفته نیست، یعنی درباره عبارت «لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ» معتقد است که توبه آن‌ها از روی اخلاص نیست و عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الصَّالُّونَ» نیز بر این واقعیت صحه می‌گذارد؛ زیرا اگر توبه‌شان واقعی بود، به طور قطع از مهتدین بودند و نه از ضالین (همان: ۷۹۱/۲). علاوه بر این طبرسی درباره عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الصَّالُّونَ»، می‌گوید این جمله بدین معناست که «آن‌ها از راه حق و صواب گمراه‌اند» و گفته شده است یعنی «هالک و معذب‌اند» (همان: ۷۹۱/۲).

مؤلف مجمع البیان، در جهت تفسیر این آیه به ذکر اقوال متعدد از صاحبان نظر پرداخته است. به عنوان نمونه وی از راویانی چون حسن و جبایی نقل می‌کند که گفته‌اند: دلیل عدم مقبولیت توبه این گروه آن است که در موقع یأس از زندگی و دیدن مرگ درصدد این امر برآمده بودند و بنابراین توبه‌شان نامقبول گشت. نیز از ابن عباس نقل کرده است که این گروه اسلام را به صورت لفظی و نه قلبی اظهار می‌کنند و خداوند هم با نزول این آیه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر دل‌شان آگاه کرد (همان: ۷۹۱/۲).

بنابراین طبرسی معتقد است با توجه به نقل‌های متفاوتی که از این آیه ارائه گردیده است، می‌توان برداشت‌های تفسیری متفاوتی داشت. در مجموع توبه این گروه از کافران به دلیل عدم اخلاص و حالت جبری که در ایشان ظاهر گردیده، مورد پذیرش خداوند نخواهد بود و عبارت

«أُولَئِكَ هُمُ الصَّالُّونَ» هم بر این واقعیت دلالت دارد.

ب. تفسیر المیزان

علامه بر این باور است توبه کافرانی که بعد از ایمان کفر ورزیده و بر کفر خود افزوده‌اند، به هیچ وجه قبول نخواهد شد و آیات ۹۰ و ۹۱، درواقع مضمون آیه ۸۶ سوره آل عمران^۳ را تعلیل می‌کند که به روش تطبیق کلی و عام بر جزئی و فرد خاص است. درواقع این آیه درصدد است تا بفهماند آن کسی که بعد از روشن شدن حق و تمام شدن حجت، باز هم بر حق کفر می‌ورزد و توبه نمی‌کند (توبه‌ای که او را اصلاح کند) چنین کسی از دو حال بیرون نیست: یا کافری است که کفر می‌ورزد و کفر خود را فزونی داده، که معلوم است صلاح به دل او راهی ندارد و در نتیجه خداوند هم او را هدایت ننموده و توبه‌اش را قبول نمی‌کند، زیرا توبه وی حقیقی نیست. و یا همان‌طور که در آیه ۹۱ ملاحظه می‌شود، کافری است که بدون توبه در حالت کفر و عناد می‌میرد؛ پس چنین کسی را خداوند در آخرت هدایت نمی‌کند، بدین معنی که داخل بهشت گرداند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۳۴۱).

به عقیده علامه طباطبایی با توجه به موارد فوق روشن می‌شود که عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الصَّالُّونَ» به دلیل این که مشتمل بر چند خصوصیت است، ضلالت نامبردگان را آن‌چنان تأکید کرده که به کلی امیدی به هدایت‌شان نمی‌رود. خصوصیت یکم این که این جمله به صورت اسمیه آمده است؛ خصوصیت دوم با کلمه «اولئك» که مخصوص اشاره به دور است می‌خواهد بفهماند نامبردگان از این که مورد گفت‌وگو قرار گیرند بسیار دورند؛ خصوصیت سوم، ضمیر فصل «هم» به کاررفته در آن است و خصوصیت چهارم، الف و لام آمده بر سر خبر جمله یعنی کلمه «الضَّالُّونَ» است (همان: ۳/۳۴۱). صاحب المیزان ذیل این آیه به مباحث روایی اشاره‌ای نداشته است اما از آن‌جا که آیات ۹۰ و ۹۱ را در ادامه یکدیگر می‌داند، مباحث روایی مرتبط با این آیه را به آیه ۹۱ هم مرتبط دانسته و همه را یک‌جا و در ذیل آیه ۹۱ مطرح نموده است.

بنابراین علامه معتقد است که این آیه به همراه آیه ۹۱ درصدد است تا مضمون آیه ۸۶ سوره آل عمران را به مخاطب بفهماند. نیز توبه افرادی که حق و حقیقت بر آنها روشن گردیده، اما باز کفر ورزیده و بر کفر خویش هم می افزایند، به هیچ وجه قابل قبول نیست؛ زیرا توبه شان خالص نمی باشد و این مهم از خصوصیات عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الصَّالُونَ» که در ادامه آمده، قابل بازیابی است.

ج. تفسیر تسنیم

آیت الله جوادی آملی به جهت تناسب آیات، این آیه را به گونه تطبیق کلی عام بر فرد خاص، معلول آیه قبلی می داند. یعنی آیه ۹۱ درصدد است تا بفهماند به چه علت خداوند مرتد را هدایت نمی کند؟ (همان: ۵۴/۱۵). ایشان درباره این آیه مباحث مختلفی را مطرح می کند. وی معتقد است همان طور که فضیلت دارای درجاتی است، کفر و نفاق نیز درکاتی دارد. از این رو همان گونه که خداوند درباره اهل ایمان می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (انفال، آیه ۲)؛ درباره کافران نیز فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا...﴾ (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۵۴/۱۵). پس کفر دارای سطوح مختلفی است و ازدیاد کفر، فرورفتن در پایین ترین سطوح است. کسانی که با ارتداد از ایمان و طغیان در کفر، عمری را عامدانه در گناه سپری کرده و در آستانه مرگ و تنها به خاطر اضطرار، به توبه روی می آورند، توبه آنان پذیرفته نیست؛ هر چند به توبه مکلف اند. گمراهان کامل آنها هستند. آنان در کمال ضلالت اند و در ظرف توبه نیز گمراه اند و توبه آنان توبه شخص گمراه است نه هدایت یافته، از این رو پذیرفته نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۵۳/۱۵). مؤلف تسنیم به جهت دلایل عقلی و نقلی چنین افرادی را مکلف به توبه می داند. دلیل عقلی آن است که بعد فراری باید به سراغ مولا برود و رفتار ناروایش را جبران کند و تفاوتی نمی کند که از روی خوف باشد یا شوق یا حب. نیز از جمله علل نقلی آن است که توبه از واجبات است؛ زیرا هر انسانی (مؤمن یا کافر) تا لحظات پایانی زندگی به

تمامی اصول و فروع دین از جمله «توبه» مکلف است. براین اساس، مرتدان نیز به توبه مکلف‌اند؛ اما در پذیرش توبه آنان اختلاف است (همان: ۵۵/۱۵-۵۴).

در ادامه مفسر تسنیم، لفظ «أُولَئِكَ» که نشانه دور بودن کافران است، ضمیر فصل «هُم» و معرفه بودن خبر یعنی کلمه «الصَّالُّونَ» را در این آیه، از دلایل نهایت ضلالت این گروه از کافران و خلد آن‌ها در گمراهی دانسته و بر این نگاه است که آنان در ظرف توبه نیز گمراه‌اند؛ یعنی توبه آنان، توبه شخص گمراه است نه هدایت‌یافته (همان: ۵۸/۱۵-۵۸).

مفسر در انتها به ذکر روایاتی در باب: ۱. شأن نزول آیه؛^۲ ۲. تطبیق آیه بر مخالفان ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) و ۳. آخرین مهلت توبه می‌پردازد.^۳ وی روایتی که از اسباب النزول واحدی نقل گردیده را برای شأن نزول آیه پذیرفته و جهت نوع دوم از روایات بر این نکته تأکید می‌ورزد که این‌گونه احادیث از سنخ تطبیق است و نه تفسیر (همان: ۶۳/۱۵-۶۵).

بنابراین آیت‌الله جوادی آملی نتیجه می‌گیرد که آیه ۹۰ سوره آل عمران درباره عدم پذیرش توبه افرادی است که عمرشان را در گناه سپری نموده‌اند و در لحظه مرگ و فقط از سر ناچاری به توبه روی آورده‌اند. هرچند که آن‌ها به توبه مکلف‌اند. اما آنان کاملاً گمراه هستند. آنان در کمال ضلالت و ممحض در گمراهی‌اند و توبه آنان توبه شخص گمراه است نه هدایت‌یافته، از این رو پذیرفته نیست. نیز ویژگی‌هایی که در کلمات عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الصَّالُّونَ» وجود دارد بر کمال ضلالت این گروه از کافران دلالت دارد.

آیت‌الله جوادی آملی در انتهای این بحث معتقد است که آیه مورد بحث درباره ردّ توبه کسانی است که عمری را از روی عناد و لجاجت در گناه سپری و در آستانه مرگ از سر اضطرار ندامت و توبه اظهار می‌کنند و اگر اضطرار از آنان برداشته شود، به راه گذشته خویش باز می‌گردند؛ اما خداوند توبه گناهکارانی را هم که در آستانه مرگ قبل از احتضار به‌راستی از کرده خویش پشیمان شده و به خدا روی آورده‌اند، می‌پذیرد؛ زیرا هر انسانی تا زنده است مکلف است و توبه نیز از تکالیف الهی انسان است. به‌علاوه، خداوند پذیرش توبه را نیز وعده داده است (همان: ۵۹).

جمع بندی

نکات به دست آمده از مطالعه تطبیقی آیه ۹۰ به شرح زیر است:

تفسیر مجمع البیان در ظاهر شأن نزول های مختلف را پذیرفته و این اختلافات را منشأ به وجود آمدن تفاسیر متفاوتی از آیه می داند، همچنین در جهت تفسیر این آیه از مباحث روایی هم بهره برده است. لیکن تفسیر تسنیم به شکل کامل تری به ذکر تمام مباحث روایی مرتبط با این آیه اعم از شأن نزول، تطبیقی و تفسیری پرداخته است. همچنین شأن نزولی را که در اسباب النزول واحدی ذکر گردیده، متذکر شده است. اما صاحب المیزان ذیل تفسیر آیه ۹۰ به هیچ گونه روایتی مرتبط با شأن نزول و تفسیر آیه استناد نکرده است، اما از آن جاکه آیات ۹۰ و ۹۱ را در ادامه یکدیگر می داند، مباحث روایی مرتبط با این آیه را به آیه ۹۱ هم مرتبط دانسته و همه را یک جا و در ذیل آیه ۹۱ مطرح نموده است.

مجمع البیان و تسنیم آیه ۹۰ را در ادامه و معلول آیه قبلی می دانند؛ یعنی آیه ۹۰ می خواهد بفهماند به چه علت خداوند مرتد را هدایت نمی کند؟ اما المیزان بر این باور است که این آیه به همراه آیه ۹۱ مضمون آیه ۸۶ سوره آل عمران را تعلیل می کنند. بنابراین تفسیر المیزان موضع متفاوتی نسبت به مجمع و تسنیم اتخاذ کرده است.

علامه و طبرسی توبه این گروه از کافران را تحت هیچ عنوانی پذیرفته نمی دانند اما آیت الله جوادی آملی در این رابطه دیدگاه متفاوتی ارائه داده است. به عقیده وی درست است که این آیه به خاطر عدم پذیرش توبه این افراد نازل شده اما چون خداوند پذیرش توبه بدون شرط را از قبل وعده داده است و از آن جاکه عمل توبه در هر زمانی از تکالیف واجب الهی است، پس پذیرش توبه آن ها دور از ذهن نیست و احتمال زیاد مورد قبول درگاه الهی است. البته این مسأله برای افرادی نیست که عمری با عناد و لجاج مانند فرعون زندگی نکرده اند؛ بلکه خطاهایی داشته و به راستی توبه کرده اند و چون انسان تا زنده است مکلف به توبه راستین است اگر توبه راستین اتفاق افتد نتیجه اش برخورد رحمانی خداوند است که توضیحات آن در بخش پیشین گذشت.

در باره عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الصَّالُّونَ»، صاحب مجمع البیان تنها به ذکر مفهوم این جمله بسنده کرده است. اما تفاسیر المیزان و تسنیم سعی نموده‌اند تا از طریق واکاوی واژگانی این جمله به مفهوم مورد نظر دست یابند.

۲. بررسی تطبیقی سه تفسیر در آیه ۹۱ سوره آل عمران

قرآن کریم در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَآمَنُوا وَهُمْ نُفُورٌ فَلَنْ يُجِبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِْلٌ وَالْأَرْضُ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ، أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾؛ همانا کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر مردند، از هیچ‌یک از آن‌ها هرچند به اندازه گنجایش زمین طلا فدیة دهد، پذیرفته نمی‌شود. برای آن‌ها عذابی دردناک است و هیچ یاورى نخواهند داشت (آل عمران، آیه ۹۱).

از آن‌جاکه این آیه به همراه آیه قبلی در یک سیاق‌اند، پس همان مواردی که در شأن نزول آیه ۹۰ عنوان گردید، برای این آیه هم مطرح است (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۱۷ و ۱۱۸؛ کاشانی، ۱۳۵۱: ۲۶۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۰/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۹/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۴۳/۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۶۹/۱). علاوه بر این موارد در تفسیر جامع آیت‌الله بروجردی ذکر گردیده که آیه ۹۱ به‌طور خاص در حق دشمنان آل محمد ﷺ نازل شده است (بروجردی، ۱۳۶۶: ۴۵۱/۱). نیز در تفسیر عاملی از قول قتاده و از انس بن مالک روایت شده که پیغمبر ﷺ فرمود: کافران را در قیامت حاضر می‌کنند و می‌پرسند که می‌خواهید به اندازه گنجایش زمین طلا داشته باشید تا خود را از این سختی بخرید؟ می‌گویند: این آرزوی ماست. در جواب آن‌ها می‌گویند: بسیار ساده‌تر از این‌ها به شما گفتند و نکردید (عاملی، ۱۳۶۰: ۱۳۳/۲).

الف. تفسیر مجمع البیان

شیخ طبرسی ذیل آیه ۹۱ سوره آل عمران مباحث مختلفی را مطرح نموده است. وی در ابتدا به توضیح و تبیین مباحث لغوی پرداخته است. این مفسر در توضیح واژه «ملء» بر این باور

است که در اصل «ملاً» یعنی اسم و مصدر و به معنی پر و لبریز یا برای مقداری که پر می‌کنند، بوده است و این که به اشراف «ملاً» می‌گویند و در اصطلاح ملاً اشراف داریم، به همین معنی و مفهوم است؛ چون هیبت و جلالت اشراف چشم‌ها را پر می‌کند. نیز واژه «فدیه» یعنی بدل از هرچیز برای برطرف کردن اذیت و ضرر از آن و فدیۀ اسیر هم به همین معنی است؛ زیرا کشتن و اسارت را از او برطرف می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۱/۲). واژه «فداء» با همزه ممدوده است. اگر فاء مکسور و با الف مقصور باشد، «فدا» است و اگر فاء مفتوح باشد، می‌شود «فدی لك» و «فداء لك» و «افتداء» باب افتعال از فدیۀ است (همان: ۷۹۱/۲).

صاحب مجمع البیان در ادامه به توضیح معنی و مقصود آیه می‌پردازد. ایشان ذیل عبارت «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ» معتقد است که یعنی در حال کفر بمیرند (همان: ۷۹۱/۲). نیز عبارت «فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ» به این مفهوم است که اگر مقدار گنجایش زمین از طلا را به عنوان عوض از خود و به جای عذاب‌شان بذل کنند، برای‌شان سودی نخواهد داشت و از آن‌ها قبول نمی‌شود. درواقع کافری که به کفر خود معتقد است، اگرچه به ایمان تظاهر نماید و انفاق و بخشش او هرچند زیاد هم باشد، برایش فایده‌ای نخواهد داشت و ثوابی برای او رقم نخواهد زد (همان: ۷۹۲/۲).

شیخ طبرسی پس از توضیح موارد فوق، به ذکر اقوال می‌پردازد. این مؤلف از قول قتاده می‌گوید: اگر روز قیامت کافر را بیاورند و به او بگویند آیا اگر در این جا می‌توانستی به اندازه گنجایش زمین طلا پردازی تا از عذاب نجات یابی، نمی‌پرداختی؟! کافر در جواب می‌گوید: آری. انس نیز این مطلب را از پیغمبر ﷺ روایت کرده است (همان: ۷۹۲/۲).

بنابراین طبرسی معتقد است در صورتی که این گروه از کافران در حالت کفر از دنیا بروند و در آن دنیا قصد کنند تا حتی به اندازه گنجایش زمین طلا بدهند و در عوض از عذابی که برای‌شان رقم خورده نجات یابند، هرگز چنین چیزی از ایشان قبول نخواهد شد. چنان‌که نقل‌های تفسیری از جانب قتاده و انس هم مؤید و گواهی بر این مطلب است.

ب. تفسیر المیزان

همان‌طور که ذیل آیه ۹۰ مطرح گردید، علامه طباطبایی آیات ۹۰ و ۹۱ را کنار یکدیگر به شرح و تفسیر پرداخته است. به عقیده این مفسر آیات ۹۱ و ۹۰، درواقع مضمون آیه ۸۶ سوره آل عمران^۷ را تعلیل می‌کنند. این آیات به مخاطب می‌فهمانند آن کسی که بعد از روشن شدن حق، باز هم بر حق کفر می‌ورزد و توبه نمی‌کند از دو حال بیرون نیست؛ یا مطابق آیه ۹۰ کافری است که کفر می‌ورزد و کفر خود را فزونی داده و خداوند توبه‌اش را قبول نمی‌کند. یا همان‌طور که در آیه ۹۱ ذکر می‌گردد، کافری است که بدون توبه در حالت کفر می‌میرد و چنین کسی را خداوند هم در آخرت هدایت نمی‌کند، یعنی از جانب خداوند، داخل بهشت نمی‌گردد؛ چون او به سوی پروردگار خود برگشته و چیزی هم که جاپرکن خلأ توبه باشد (مثل شفاعت و یاری‌یاوران) وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۳۴۱).

صاحب المیزان ذیل عبارت «وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ»، از فحوای کلام چنین استنباط می‌کند که با توجه به صیغه جمع واژه «ناصرین»، در روز قیامت قطعاً یاری و یاورانی هستند لیکن این‌گونه اشخاص، از شفاعت شفیعان در روز قیامت بهره‌مند نخواهند گردید. پس بنا به فرموده خداوند: «ایشان از یاوران، هیچ یآوری ندارند». نظیر این معنا در آیه ۱۰۰ سوره شعراء نیز آمده است^۸ (همان: ۳/۳۴۱). همچنین علامه معتقد است که در این آیه علاوه بر نفی یاور «شفیع»، فداء هم نفی گردیده؛ زیرا هم ناصر و هم فداء جنبه عوض و بدل را دارند، و بدل همیشه در برابر چیزی قرار می‌گیرد که از آدمی فوت شده باشد. در این آیه نیز منظور چیزی است که در دنیا از دست داده شده و جاپرکنی هم ندارد و آن توبه است که هیچ چیز هم جبران‌ش نمی‌کند (همان).

در دیدگاه علامه طباطبایی، از این جا روشن می‌شود که جمله «وَمَا تَأْوَاهُمْ كُفَّارًا»، یعنی توبه برای کسانی که کافر می‌میرند، فائده‌ای نمی‌بخشد؛ آنان کسانی هستند که ما برای‌شان عذایی الیم آماده کرده‌ایم. چون منظور از حضور مرگ، پدیدارشدن آثار آمدن آخرت و رفتن دنیاست؛ این جاست که دیگر توبه‌ای نیست. در نتیجه مردن در حال کفر، با توبه در حال

حضور موت یکسان است (همان: ۳۴۱/۳). پس عبارت «و مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ» در معنای این است که: «و مَاتُوا فَاتَتْهُمْ التَّوْبَةُ». نیز با توجه به حصری که در آیه وجود دارد، مفهوم و معنای جمله با آیه ۱۸ سوره نساء^۹ نقض نمی‌شود. ناگفته نماند که منظور از حضور مرگ، پدیدارشدن آثار آمدن آخرت و رفتن دنیا است و این جاست که دیگر توبه‌ای نیست. در نتیجه مردن در حال کفر، با توبه در حال حضور موت یکسان است، پس حصر مستفاد از آیه مورد بحث، با آیه ۱۸ سوره نساء نقض نمی‌شود (همان: ۳۴۱/۳-۳۴۲).

در ادامه علامه طباطبایی به شرح واژه «ملء» در عبارت: «مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا» پرداخته است. به عقیده این مفسر، کلمه «مِلْء» به معنای پری ظرف است از چیزی که در آن ریخته باشند. در این جمله هم کره زمین ظرفی فرض شده که مالا مال از طلا باشد، پس این جمله از قبیل استعاره تخیلیه و استعاره به کنایه است. تخیلیه از آن جهت است که چنین ظرفی پر از طلا در عالم امکان ندارد و وجودش تنها خیال است. اما استعاره به کنایه است برای این که به فرض هم که چنین ظرفی یافت شود، دردی را دوا نمی‌کند؛ زیرا طلا در این عالم ارزش دارد و در عالم قیامت که عالم ملکوت است، برای مادیات ارزشی نیست (همان: ۳۴۲/۳).

همان‌گونه که ذکر شد، از آن‌جاکه علامه طباطبایی آیات ۹۰ و ۹۱ را در ادامه و مکمل هم دانسته، در نتیجه این دو آیه را در کنار یکدیگر شرح و تفسیر کرده است؛ چنان‌که درباره مباحث روایی نیز بدین صورت است. وی در ذیل تفاسیر این دو آیه به روایات وارده راجع به شأن نزول آیه می‌پردازد و این روایات را در تقسیم‌بندی‌هایی قرار می‌دهد. وی ابتدا شأن نزولی را که شیخ طبرسی در مجمع البیان آورده و مطابق با فرمایش امام صادق (ع) نیز هست، نقل می‌کند. سپس شأن نزولی را که در الدر المنثور، ابن اسحاق و ابن منذر از ابن عباس نقل نموده‌اند را متذکر گردیده و در ادامه روایتی را که از قول عکرمه در همین تفسیر الدر المنثور سیوطی آمده شرح می‌دهد. در همه این روایات هسته اصلی شخصی به نام حارث بن سويد است لیکن در نقل و مضمون داستان اختلافاتی به چشم می‌خورد. در ادامه علامه به گروهی دیگر از روایات اشاره می‌کند که مراد از برخی، فقط اهل کتاب است. برخی دیگر هم شأن نزول آیه را در

خصوصاً یهود دانسته، که ابتدا ایمان آوردند و سپس به عیسی علیه السلام کفر ورزیدند و در آخر کفر خود را زیاده‌تر نمودند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز کفر ورزیدند. به عقیده این مفسر، از دقت در این اقوال و روایات به دست می‌آید که تمامی شان نظریه‌های اجتهادی از سوی مفسرین سلف است. اما روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، مرسل است، سندش ذکر نشده و به همین جهت ضعیف است. علاوه‌براین ممکن است اسباب نزول يك یا چند آیه، داستان‌های متعددی باشد (همان: ۳۴۲/۳-۳۴۳).

بنابراین علامه طباطبائی معتقد است که این آیه به همراه آیه پیشین مضمون آیه ۸۶ سوره آل عمران را تعلیل می‌کند. آیه ۹۱ به‌طور اختصاصی می‌خواهد بفهماند کافری که بدون توبه از دنیا برود، به هیچ وجه از جانب خداوند وارد بهشت نخواهد شد. همچنین با توجه به صیغه جمع بودن کلمه «ناصرین» و این که در آخرت قطعاً شفیعان و یاورانی وجود دارند، هیچ یک از شفیعان به یاری و شفاعت این گروه نخواهند آمد. در این آیه علاوه بر شفیع، فداء هم نفی گردیده و در این آیه منظور از فداء، توبه است که هیچ چیز جبرانش نمی‌کند. نیز به عقیده علامه، مردن در حال کفر با توبه در حال حضور موت که در آیه ۱۸ سوره نساء مطرح شده، یکسان است. این مفسر، در توضیح واژه ملء، کره زمین را ظرفی دانسته که مالا مال از طلا پر شده است، پس استعاره تخیلی و استعاره به کنایه در این مفهوم به کار گرفته شده است. در ادامه صاحب المیزان جهت شأن نزول آیه به اقوال متعدد اشاره می‌فرماید و به نظر وی از دقت در این اقوال و روایات به دست می‌آید که تمامی شان نظریه‌های اجتهادی از سوی مفسرین سلف است، لیکن به نظر می‌آید این مفسر قول طبرسی در مجمع البیان را ارجح شمرده است.

ج. تفسیر تسنیم

آیت الله جوادی آملی معتقد است این آیه نیز مانند آیه ۹۰ مفاد آیه ۸۶ همین سوره^{۱۰} را تعلیل می‌کند؛ به گونه تطبیق کلی بر فرد خاص که به چه علت خداوند آن‌ها را هدایت نمی‌کند؟ (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶۷/۱۵).

مفسر تسنیم، ذیل مبحث مفردات، واژه «إفتدی» را مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است کلمه «فداء»، به معنای نگهداری خود از گرفتاری با بخشش چیزی است (همان: ۶۷/۱۵). در این آیه واژه «إفتدی»، همان گونه که در التحقیق هم مورد تأکید است، ثلاثی مزیدی است که به معنا و مفهوم اختیار کردن فدیة دهی است (همان؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴۱/۹). نظیر مفهوم «إفتدی» در این آیه، در آیه ۱۱ سوره معارج^{۱۱} نیز آمده است. آیت الله جوادی آملی نتیجه می گیرد که «افتداء» در جایی است که آدمی جهت پذیرش فدیة اش جزع می کند و فدیة اش ممکن است به وسعت زمین طلا یا همه فرزندان و کسان وی باشد ولی کسی از او نمی پذیرد. فدیة دادن با این کیفیت را «افتداء» گویند که در این آیه هم مطرح گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶۷/۱۵).

در اندیشه این اندیشمندان؛ اموری که جبران پذیر و دارای مثل و بدل اند می توان در حال ضرورت به بدل آن ها بسنده کرد؛ مانند کفارة برخی از واجب های انجام نشده و فدیة بعضی از حرام های ارتکاب شده؛ اما چیزی که بدیل ندارد، خواه در دنیا و خواه در آخرت، در صورت فوت، جبران ناپذیر خواهد بود. همان طور که خداوند منزّه از مثل است، توحید نیز بی بدل خواهد بود. اگر کسی فاقد این درّ ثمین باشد و کفر ورزد، کفارة ای برای کفر نیست و این مطلب به آخرت اختصاص ندارد. تنها فرق دنیا و آخرت همانا امکان توبه در دنیا و تحصیل توحید است که چنین فرصتی در آخرت نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶۸/۱۵).

مؤلف این تفسیر، عذاب قیامت را بی مانند دانسته و همان طور که در مفردات هم مطرح گردید در آن جا نه تنها انسان آرزو می کند تا همه کره زمین را پر از طلا کند و به عنوان فدیة بدهد بلکه بر آن است تا همسر، فرزند، برادر و همه کسان خود و اهل زمین را نیز برای رهایی خویش فدا کند (همان: ۷۰/۱۵). در قیامت عشیرگان دنیا، «فصیله» می شوند؛ یعنی بستگان که در دنیا معاشر او بودند و از این جهت به آن ها عشیره می گویند، جدا می شوند (همان؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۸/۱) و سراغ یکدیگر را نمی گیرند و دوستان بی تقوا هم دشمن هم می شوند و همه این ها بدان جهت است که هیچ عذابی مانند عذاب قیامت نیست (جوادی

آملی، ۱۳۷۸: ۷۰/۱۵). پس کسی که در حال کفر از دنیا رود، در قیامت نمی‌تواند عهده‌دار کار خویش باشد؛ زیرا چیزی از او پذیرفته نمی‌شود و کفاره‌ای برای کفر نیست و در آخرت فرصتی نیز برای تحصیل توحید نیست؛ زیرا فرصت یا به توبه است یا به فدیة یا به شفاعت یا به کفالت و همگی منتفی‌اند (همان: ۶۵/۱۵). در مورد شفاعت براساس آیه ۲۵۵ سوره بقره،^{۱۲} هیچ شفيعی بی‌اذن خداوند شفاعت نمی‌کند. همان‌طور که خداوند در آیه ۲۸ سوره انبیاء^{۱۳} تأکید می‌ورزد، کسانی مشمول شفاعت خواهند بود که دین‌شان پسندیده است و چنان‌که در قرآن هم آمده است،^{۱۴} منظور از دین پسندیده، فقط اسلام است (همان: ۶۸/۱۵). از دیگر موضوعاتی که مفسر تسنیم بدان می‌پردازد، نفی هرگونه یاور است. ایشان در ذیل عبارت «و ما لَهُمْ مِنْ ناصِرین» بر این عقیده است گرچه در ظاهر «نفی عموم» مطرح است، اما درواقع «عموم نفی» است، چون نمی‌خواهد بگوید «ناصرین ندارند ولی ممکن است یک ناصر یا دو ناصر داشته باشند» و نیز نمی‌خواهد بگوید «ناصرین به‌طور گروهی به داد او نمی‌رسند». بنابراین مثلاً با فرض وجود صد نفر کافر و صد نفر ناصر نمی‌توان گفت ناصر اول در مقابل کافر اول و ناصر دوم در برابر کافر دوم؛ بلکه باید گفت هیچ‌یک از این صد ناصر به هیچ‌یک از این صد کافر یاری نخواهد رساند. در این صورت، مبالغه است و عموم نفی را در بر دارد. این عموم را از «مِنْ» در عبارت «و ما لَهُمْ مِنْ ناصِرین» می‌توان برداشت نمود (همان: ۷۱/۱۵).

آیت‌الله جوادی آملی در ادامه اشارات و لطایف مرتبط با آیه را مطرح می‌نماید. از نگاه وی وصیت پیامبران ابراهیمی علیهم‌السلام در این رابطه مورد تأکید است؛ زیرا پیامبران ابراهیمی به فرزندان خویش سفارش می‌کردند فقط در زمان مسلمانی بمیرند،^{۱۵} بدین‌رو اگر کسی با کفر از دنیا برود، به سفارش انبیاء عمل نکرده است. البته نهی از مرگ که امری اضطراری است، امثال‌پذیر نیست؛ لیکن فید آن را که «مسلمان بودن» است، می‌توان عملی نمود (همان: ۷۲/۱۵).

این اندیشمند در انتها مباحث روایی را مدّ نظر قرار داده است. وی در ارتباط با شان نزول این آیه، ضمن آن‌که آیه را ناظر به آیه پیشین می‌داند همان‌شان نزولی را که در ذیل آیه ۹۰ از قول طبرسی در مجمع البیان مطرح گردیده، می‌پذیرد. البته مفسر تسنیم بر این باور است که

مورد نزول بر فرض صحت سند، نه مخصّص است و نه مقید (همان: ۷۲/۱۵-۷۳). همچنین آیت الله جوادی آملی در ارتباط با نفی فداء در قیامت به روایتی از قتاده بسنده نموده است. این روایت را طبرسی نیز در ذیل همین آیه مطرح نموده است (همان: ۷۳/۱۵). بنابراین آیت الله جوادی آملی معتقد است این آیه هم مانند آیه ۹۰ مفاد آیه ۸۶ همین سوره را تعلیل می‌کند. وی در رابط با واژه «افتداء»، کاربردش را در جایی می‌داند که انسان جهت پذیرش فدیة‌اش جزع می‌کند و فدیة‌اش هرچه هم که باشد، مورد پذیرش نخواهد بود. ایشان بر این باور است که امور جبران‌پذیر دارای بدل خواهند بود، لیکن امور جبران‌ناپذیر مانند مردن در حال کفر و عدم تحصیل توحید در دنیا مثل و بدلی در آخرت نخواهند داشت. این مؤلف در ادامه بی‌مانند بودن عذاب قیامت را مطرح می‌سازد؛ طوری که فرد بر آن است تا به اندازه کره زمین طلا فدیة کند و یا حتی تمام بستگان و عشیره‌اش در دنیا را فدا کند تا از عذاب قیامت رهایی یابد. اما همان‌طور که ذکرش رفت هیچ‌گونه فدیة‌ای از این گروه قابل پذیرش نخواهد بود. نیز مورد شفاعت هم قرار نخواهند گرفت؛ زیرا شفاعت فقط به اذن خداوندی است. در نتیجه آن‌ها هیچ‌گونه یاوری نخواهند داشت و منظور از عبارت «و ما لَهُمْ مِنْ ناصِرین»، درواقع «عموم نفی» است. آیت الله جوادی آملی در ادامه وصیت پیامبران ابراهیمی: را مبنی بر این که تنها در حال مسلمانی بمیرند، مورد تأکید قرار داده‌اند. این مفسر در پایان به مباحث روایی پرداخته و در مورد شان نزول آیه همان روایتی را که طبرسی مطرح نموده، پذیرفته، سپس روایتی از قتاده در مورد نفی فداء در قیامت را ذکر می‌کند.

جمع‌بندی

نکات به‌دست‌آمده از مطالعه تطبیقی آیه ۹۱ به شرح زیر است:

هر سه تفسیر سعی در برطرف نمودن ابهام واژگان داشته‌اند، لیکن تفسیر مجمع‌البیان واژگان بیشتری را توصیف نموده و تفسیر تسنیم تنها به توضیح و شرح واژه «افتدی» اکتفا نموده و تفسیر المیزان تنها به توضیح مختصری از واژه «ملء» بسنده کرده است.

درباره تناسب آیات، تفسیر مجمع البیان چیزی نگفته و ساکت است. اما تفاسیر المیزان و تسنیم، آیات ۹۰ و ۹۱ را در ادامه هم دانسته‌اند و به عقیده آنان این آیات مضمون آیه ۸۶ را تعلیل می‌کنند.

در جهت توضیح معنا و مقصود آیه، شیخ طبرسی بسیار مختصر عمل نموده، لیکن تفاسیر المیزان و تسنیم شرح و تفصیلی طولانی جهت مفهوم این آیه ارائه داده‌اند.

برای مباحث روایی به انصاف هر سه تفسیر بر این مهم کوشش نموده‌اند. تفسیر مجمع البیان روایت مرتبط با شأن نزول آیه را ذیل آیه ۹۰ ارائه داده است و روایت مربوط به نفی فداء در قیامت را در خاتمه مباحث تفسیری خود آیه ۹۱ مطرح ساخته است. تفسیر المیزان فقط روایت‌های مرتبط با شأن نزول آیات ۹۰ و ۹۱ را در کنار هم نقل نموده و مورد بررسی قرارشان داده و خود مفسر روایتی را که مجمع هم بر آن اتفاق دارد، ارجح اقوال قرار داده است. این تفسیر به روایت نفی فداء در قیامت اشاره‌ای نداشته است. تفسیر تسنیم در این رابطه مشابه مجمع البیان عمل کرده و همان روایتی را که مجمع در خصوص شأن نزول و نفی فداء در قیامت مطرح ساخته، پذیرفته است، لیکن این دو روایت را در ادامه هم و در ذیل عنوانی با همین موضوع آورده است.

از جمله محاسن تفسیر تسنیم آن است که اشارات و لطایف مرتبط با آیه را مطرح نموده، که بر قوت تفسیر خویش افزوده است، لیکن تفاسیر مجمع و المیزان از این فایده بی‌نصیب‌اند.

نتیجه

نتایج پژوهش حاصل عبارت است از:

الف. نتایج حاصل از پژوهش ذیل آیه ۹۰ سورة آل عمران

۱. تفسیر مجمع البیان در ظاهر شأن نزول‌های مختلف را پذیرفته و در جهت تفسیر این آیه از مباحث روایی هم بهره برده است. لیکن تفسیر تسنیم به شکل کامل‌تری به ذکر تمام

مباحث روایی مرتبط با این آیه اعم از شأن نزول، تطبیقی و تفسیری پرداخته است. اما صاحب المیزان ذیل تفسیر آیه ۹۰ به هیچ گونه روایتی مرتبط با شأن نزول و تفسیر آیه استناد نکرده است اما از آنجاکه آیات ۹۰ و ۹۱ را در ادامه یکدیگر می‌داند، مباحث روایی مرتبط با این آیه را به آیه ۹۱ هم مرتبط دانسته و همه را یک جا و در ذیل آیه ۹۱ مطرح نموده است.

۲. مجمع البیان و تسنیم آیه ۹۰ را در ادامه و معلول آیه قبلی می‌دانند؛ یعنی آیه ۹۰ می‌خواهد بفهماند به چه علت خداوند مرتد را هدایت نمی‌کند؟ اما المیزان بر این باور است که این آیه به همراه آیه ۹۱ مضمون آیه ۸۶ سوره آل عمران را تعلیل می‌کنند. بنابراین تفسیر المیزان موضع متفاوتی نسبت به مجمع و تسنیم اتخاذ کرده است.

۳. علامه و طبرسی توبه این گروه از کافران را تحت هیچ عنوانی پذیرفته نمی‌دانند اما به عقیده آیت الله جوادی آملی با توجه به شرایط و قرائن پذیرش توبه آن‌ها دور از ذهن نیست.

۴. درباره عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الصَّالُّونَ»، صاحب مجمع البیان تنها به ذکر مفهوم این جمله بسنده کرده است. اما تفاسیر المیزان و تسنیم سعی نموده‌اند تا از طریق واکاوی واژگانی این جمله به مفهوم مورد نظر دست یابند.

ب. نتایج حاصل از پژوهش ذیل آیه ۹۱ سوره آل عمران

۱. هر سه تفسیر سعی در برطرف نمودن ابهام واژگان داشته‌اند، لیکن تفسیر مجمع البیان واژگان بیشتری را توصیف نموده و تفسیر تسنیم تنها به توضیح و شرح واژه «افتدی» اکتفا نموده و تفسیر المیزان تنها به توضیح مختصری از واژه «ملء» بسنده کرده است.

۲. در رابطه با تناسب آیات، تفسیر مجمع البیان به این موضوع پرداخته است. اما تفاسیر المیزان و تسنیم، آیات ۹۰ و ۹۱ را در ادامه هم دانسته‌اند و به عقیده آنان این آیات مضمون آیه ۸۶ را تعلیل می‌کنند.

۳. در جهت توضیح معنا و مقصود آیه، شیخ طبرسی بسیار مختصر عمل نموده، لیکن تفاسیر المیزان و تسنیم شرح و تفصیلی طولانی جهت مفهوم این آیه ارائه داده‌اند.

۴. برای مباحث روایی به انصاف هر سه تفسیر بر این مهم کوشش نموده‌اند. تفسیر مجمع

البیان روایت مرتبط با شأن نزول آیه را ذیل آیه ۹۰ ارائه داده است و روایت مربوط به نفی فداء در قیامت را در خاتمه مباحث تفسیری خود آیه ۹۱ مطرح ساخته است. تفسیر المیزان فقط روایت‌های مرتبط با شأن نزول آیات ۹۰ و ۹۱ را در کنار هم نقل نموده و مورد بررسی قرارشان داده و خود مفسر روایتی را که مجمع هم بر آن اتفاق دارد، ارجح اقوال قرار داده است. این تفسیر به روایت نفی فداء در قیامت اشاره‌ای نداشته است. تفسیر تسنیم در این رابطه مشابه مجمع البیان عمل کرده و همان روایتی را که مجمع در خصوص شأن نزول و نفی فداء در قیامت مطرح ساخته، پذیرفته است، لیکن این دو روایت را در ادامه هم و در ذیل عنوانی با همین موضوع آورده است.

۵. از جمله محاسن تفسیر تسنیم آن است که اشارات و لطایف مرتبط با آیه را مطرح نموده و از این طریق بر قوت تفسیر خویش افزوده است، لیکن تفاسیر مجمع و المیزان از این فایده بی‌نصیب‌اند.

در خاتمه باید در نظر داشت که با کاوش و مطالعه تطبیقی میان آیات در این سه تفسیر، گاه به نظر آمد که مفسران دارای اختلاف نظرند؛ اما با مطالعات عمیق‌تر دریافت گردید که در واقع چنین نیست، بلکه هرچه مفسر به زمان حاضر نزدیک‌تر می‌شود توضیحات تفسیری را گسترش می‌دهد. اما در مجموع هر سه مفسر بر یک مفهوم کلی و واحد از مفهوم آیات اشاره نموده‌اند. در ضمن، نتایج به‌دست‌آمده از بررسی تطبیقی هر آیه که در این پژوهش حاصل گردید، باعث بارورتر شدن ذهن دانشجویان تفسیر قرآن کریم برای این‌گونه از خوانش‌ها می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در آیه ۱۳ اشاره کوتاهی به «جنگ بدر» شده و از آیه ۱۲۱ تا ۱۲۸ اشارات بیشتری هم به غزوه بدر و هم احد، آمده است، و در آیات ۱۳۹ تا ۱۴۴ باز این مسأله را تعقیب می‌کند و در آیات بعد از آن نیز اشاراتی به آن دارد.
۲. در این تفسیر ترکیبی است از ترتیبی نیکو، آراستگی زیبا، دقت در بیان علت و قوت در استدلال...
۳. كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرُّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.
۴. برای مثال: قيل: نزلت في اليهود كفروا بعيسي والإنجيل بعد إيمانهم بأنبيائهم وكتبهم ثم ازدادوا كفراً بكفرهم بمحمد والقرآن (جوادی آملی، همان: ۶۲/۱۵).
۵. برای مثال: عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله (عز وجل): (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازدادوا كفراً) (لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ)، قال: نزلت في فلان و فلان و فلان؛ آمنوا بالنبي صلي الله عليه و آله و سلم في أول الأمر و كفروا حيث عرضت عليهم الولاية حين قال النبي ﷺ: من كنت مولاه فهذا علي مولاه؛ ثم آمنوا بالبيعة لأبي بكر الصديق رضي الله عنه؛ ثم كفروا حيث مضى رسول الله ﷺ فلم يقرؤا بالبيعة؛ ثم ازدادوا كفراً بأخذهم من بايعه بالبيعة لهم. فهو لا لم يبق فيهم من الإيمان شيء. (جوادی آملی، همان: ۶۲/۱۵)
۶. برای مثال: عن الباقر قال: إذا بلغت النفس هذه وأهوى بيده إلي حلقه لم يكن للعالم توبة وكانت للجاهل توبة (جوادی آملی، همان: ۶۳/۱۵)
۷. كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرُّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.
۸. فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ...
۹. وَ لَيْسَتْ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي بُتْتُ الْأَنْ وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.
۱۰. كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرُّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.
۱۱. يُصْرُونَهُمْ يَوْمَ الْمَجْزَمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بَنِيهِ.
۱۲. مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...

۱۳. وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى...

۱۴. وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا... (مانده: ۳).

۱۵. وَ وَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (بقره، ۱۳۲).

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد طاهر، *تفسیر التحریر و التنویر*، مؤسسة التاریخ العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۰.
- ابن عجبیه، احمد، *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید*، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، حسن عباس زکی، چاپ اول، قاهره، ۱۴۱۹.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، گردآورنده: طلبه جمال، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۲.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۸.
- آل غازی، عبدالقادر، *بیان المعانی*، دمشق: مطبعة الترقی، چاپ اول، دمشق، ۱۳۸۲.
- اوسی، علی رمضان، *روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان*، ترجمه حسین میرجلیلی، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
- ایازی، سید محمد علی، *شناخت نامه تفاسیر: نگاهی اجمالی به ۱۳۰ تفسیر برجسته از مفسران شیعه و اهل سنت*، کتاب مبین، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸.
- ایمانی خوشخو، مریم؛ تقدسی، زینب، «مبانی، روش و گرایش تفسیر تسنیم»، *نشریه سراج منیر* (دانشگاه علامه طباطبائی)، ش ۲۵، تهران، ۱۳۹۵.
- بروجردی، محمد ابراهیم، *تفسیر جامع*، کتابخانه صدر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۶.
- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، مؤسسه اسراء، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸.
- خرمشاهی، بهاء الدین، «درباره تفسیر المیزان»، *مجله نشر دانش*، ش ۷، ۱۳۶۰.
- ذهبی، محمد حسین، *التفسیر و المفسرون*، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۳۹۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار القلم، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲.

- رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، امیر کبیر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۴.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴.
- شایان فر، شهناز، «عبدالله جوادی آملی حکیم الهی و مفسر قرآنی»، *نشریه کتاب ماه فلسفه*، ش ۱۸، ۱۳۸۷.
- شایسته نژاد، علی اکبر، *طبرسی و تفسیر مجمع البیان*، خانه کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
- شحاته، عبدالله محمود، *اهداف کل سورة و مقاصدها فی القرآن*، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۸.
- شرف الدین، جعفر، *الموسوعة القرآنية* (خصائص السور)، دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۰.
- طاهری، حبیب الله، *درس های از علوم قرآنی*، اسوه، قم، ۱۳۷۷.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الأعمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، ناصر خسرو، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (تفسیر الطبری)، دار المعرفة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲.
- عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تصحیح علی اکبر غفاری، کتاب فروشی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۰.
- عظیم پور، عظیم، «بررسی تطبیقی مواضع اختلافی تفسیر المیزان و تسنیم در حوزه واژگانی با تأکید بر مطالعه موردی پنج واژگان»، *فصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی*، سال سوم، ش ۶، ۱۳۹۷.
- فهیمی تبار، حمیدرضا، «روش شناسی تفسیر تسنیم»، *نشریه پژوهش های قرآنی*، ش ۵۳، ۱۳۸۷.
- قرشی بنابی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت (مرکز چاپ و نشر)، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۱ ش.

بررسی تطبیقی تفسیر آیات ۹۰ و ۹۱ از سوره آل عمران □ ۱۴۳

لقمانی، احمد، *علامه طباطبائی «میزان معرفت»*، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.

مدرسی، سید محمد تقی، *من هدی القرآن*، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
مشکینی اردبیلی، علی، *ترجمه قرآن* (مشکینی)، نشر الهادی، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۱.
مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، دار الکتب العلمیه (مرکز نشر آثار علامه مصطفوی)، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۳۰.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیه، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۱.
موسوی سبزواری، عبدالاعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن* (سبزواری)، دفتر آیت الله السبزواری، چاپ دوم، ۱۴۰۹.

میبدی، احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، امیر کبیر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۱.
واحدی، علی بن احمد، *اسباب نزول القرآن* (واحدی)، تحقیق کمال بسیونی زغلول، دار الکتب العلمیه (منشورات محمد علی بیضون)، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۱.

